



مرکز تحقیقات استراتژیک
معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی

گزارش

شماره ۳۱۲

مرداد ۱۳۹۶



حسن احمدیان
مرکز تحقیقات استراتژیک

رویکردهای منطقه‌ای عربستان؛ تحول یا استمرار

مقدمه

در دوره حکمرانی ملک سلمان، عربستان سیاست منطقه‌ای متفاوتی با سنت مصلحت‌جویانه خود بروز داد. آغاز جنگ یمن، تشکیل ائتلافی ضدایرانی در منطقه عربی و تحریم قطر جملگی نمودهایی از سیاست نوین ریاض بود. اما به نظر می‌رسد تحولی جدی در سیاست منطقه‌ای عربستان در حال ظهور است. برای توضیح این تحول، در اینجا رویکرد عربستان را در ارتباط با چهار پرونده اصلی سیاست خارجی آن مطرح می‌کنیم. در تمامی این پرونده‌ها نشانه‌هایی از بازگشت به مصلحت‌اندیشی و محافظه‌کاری سنتی مشاهده می‌شود. نکته مهم آنکه این تحولات در شرایطی بروز می‌کنند که با حذف محمد بن نایف، حکومت ملک سلمان و فرزندش، تا اطلاع ثانوی، تضمین شده و چالشی در درون عربستان آن را تهدید نمی‌کند. بنابراین، می‌توان این فضای حاکی از اطمینان را در بروز سیاست منطقه‌ای نوین عربستان اثرگذار دانست.

بحران قطر: بحران قطر را عربستان، امارات، بحرین و مصر آغاز کردند. قطر در ابتدا قرار بود تحت فشار محاصره، به سیاست‌های استقلال‌جویانه خود پایان دهد و به آغوش عربستان بازگردد. اما دوحه این بار برخلاف سال ۲۰۱۴، مقاومت کرد. چالش عمده عربستان و متحدانش در محاصره قطر آن است که این کشورها با آغاز محاصره، تمامی برگ برنده‌های خود را رو کرده و قدرت مانور ناچیزی برای مراحل بعدی بحران باقی گذاشتند. در نتیجه، و در برابر مقاومت قطر، کشورهای محاصره کننده مجبور به تغییر تدریجی رویکرد خود شدند. در واقع بحران و مقاومت قطر بن بستی استراتژیک پیش روی عربستان و متحدانش گذاشت که خروج از آن به سادگی میسر نیست. بدین ترتیب، نه اهداف عربستان تحقق یافت و نه ابزارهای کارآمدتری برای تغییر وضعیت پیش آمده در اختیار آن کشور باقی ماند. در برابر این بن بست، عربستان به جای تشدید فشارها و تهدید قطر، به میانجی‌گری کویت روی خوش نشان داد و همچنین در مجامع بین‌المللی دوحه را – به اتهام حمایت از تروریسم – تحت فشار قرار داد. از این

۲ رویکردهای منطقه‌ای عربستان؛ تحول یا استمرار

بروز نکرد. در اوت ۲۰۱۷ برای اولین بار نماینده اتحادیه اروپا در یمن به صناعه رفته و با هشام شرف، وزیر خارجه دولت نجات ملی گفتگو کرد. از سوی دیگر اسماعیل ولد الشیخ احمد، نماینده دبیرکل سازمان ملل در بحران یمن، در دیدارهایی که به گفته وی در ارتباط با دیدار نماینده اتحادیه اروپا صورت می‌گیرد از عمان، عربستان و نیز اردن دیدن کرد. خبرهایی نیز در سطح رسانه‌های منطقه‌ای مبتنی بر درخواست محمد بن سلمان از عمان برای میانجی‌گری در بحران یمن منتشر شده است. خبر دیگر البته با اطمینان بیشتری منتشر شد: هیئتی از انصارالله و صالح برای گفتگو با طرف مقابل در یک کشور عربی (عمان) به زودی از یمن خارج خواهد شد. به نظر می‌رسد عربستان در این زمینه نیز جویای کنترل بحران و کاهش تنش در این مرحله است و بر همین مبنا، این بار نه تنها به تحرک منطقه‌ای و بین‌المللی یادشده اعتراض نکرد بلکه بنابر اخبار منتشر شده، مشوق آن نیز هست.

رابطه با عراق: روابط عربستان با عراق در سال ۲۰۱۶ با بازگشایی سفارت این کشور در بغداد و کنسولگری آن در اربیل اعاده شد. فعالیت‌های ثامر السبهان، اولین سفیر ریاض در بغداد، و گفتمان فرقه‌ای وی البته می‌رفت که تنش بغداد - ریاض را تشدید کند. با خروج سبهان از عراق البته بحران کنترل شد. اما در دوره جدید برخلاف مرحله پیشین عربستان گشایش قابل توجهی به شیعیان عراق از خود نشان می‌دهد. دعوت از صدر و دیدار ولیعهد عربستان با وی و سخن از کمک‌های عربستان به بازسازی مناطق آسیب‌دیده از جنگ و در مجموع ارتقای روابط دوجانبه، جملگی این رویکرد نوین را نشان می‌دهد. این البته یک روند یک‌جانبه نبوده و

منظر این بحران محدودیت‌های عربستان را بیش از پیش به آن نشان داد و عربستان در برابر این محدودیت‌ها در حال عقب‌گرد و بازبینی رویکرد تهاجمی خود است.

بحران سوریه: عربستان از اوت ۲۰۱۱ تا اوت ۲۰۱۷ با قدرت کامل از بخش‌هایی از اپوزیسیون سوریه پشتیبانی کرد. هدف اعلامی و پیگیری شده ریاض، سرنگونی حکومت اسد در سوریه بود. عادل الجبیر تا ژولای ۲۰۱۷ به طور مکرر از ضرورت برکناری بشار اسد گفت و تهدید نظامی سوریه جزئی از گفتمان سعودی بود. اما در اوت ۲۰۱۷ به یک‌باره وضعیت تغییر کرد. جبیر در دیدار از مقرر اپوزیسیون سوریه در ریاض و گفتگو با ریاض حجاب، رئیس این مجموعه، از آنها خواست دیدگاه خود را با تحولات جدید داخلی و بین‌المللی هماهنگ سازند زیرا در غیر اینصورت قدرت‌های بزرگ به سراغ راه‌حلی خارج از اپوزیسیون خواهند رفت. مهمترین گفته جبیر به حجاب در این دیدار در ارتباط با بشار اسد مطرح شد که حذف اسد در شرایط فعلی مقدور نیست و به جای تأکید بر راه‌حل بدون اسد؛ اپوزیسیون باید بر مدت زمان حضور وی در دوره انتقالی و نیز اختیارات وی در این دوره متمرکز شود. البته وزارت خارجه عربستان اعلام کرد که گفته‌های جبیر به دقت نقل نشده است اما این بیانیه به هیچ وجه محورهای مطرح شده در رسانه‌ها را نفی نکرد. به عبارتی، عربستان به تدریج به سوی پذیرش سازوکارهای مبتنی بر قطعنامه ۲۲۵۴ بدون تأکید بر پیش شرط‌های پیشین خود حرکت کرده است.

بحران یمن: در حالی که بیش از دو سال از جنگ عربستان علیه یمن می‌گذرد تا اوت ۲۰۱۷ هیچ تحول جدی در رویکرد عربستان در مورد بحران یمن

نیست. در رقابت درون‌شيعی در عراق، عمار حکيم نیز ضمن انشعاب (در واقع پوست‌اندازی) از مجلس اعلی، حزب حکمت ملی را تأسیس کرد. این حزب اکثریت قریب به اتفاق اعضای برجسته مجلس اعلی را در خود دارد، و بنابراین، از نظر ماهوی نباید تغییری کرده باشد. با این‌حال، ضرورت انشعاب از دید انشعاب‌کنندگان از این واقعیت ناشی می‌شود که این حزب در رقابت با دیگر شیعیان عراقی، که در مرحله پس از داعش به اتخاذ رویکرد میان ایران و عربستان رو آورده‌اند، شکل و ساختار خود را تغییر داد تا تغییرات ماهوی در آن نیز امکانپذیر شود. عربستان نگرش مثبتی به این تحولات دارد و همچنان که دیدار صدر نشان می‌دهد، جویای گسترش چنین رویکردهایی میان شیعیان عراقی است. بنابراین، عربستان در دوره جدید به جای رویارویی با ساختار سیاسی حاکم بر عراق، به تحکیم روابط با شخصیت‌های شیعی برجسته در این کشور رو آورده است.

در مجموع، با تحکیم قدرت در ریاض در دستان محمد بن سلمان، به نظر می‌رسد هزینه کردن از سیاست خارجی برای تحکیم جایگاه وی در درون عربستان، جای خود را به سیاست خارجی متوازن‌تر و متمرکزتری داده است. محور این سیاست خارجی، کاستن از بار رویکرد تهاجمی بر ذخایر ارزی و نیز دیپلماسی عربستان است. در این راستا محمد بن سلمان پرونده‌های سیاست خارجی را بازبینی می‌کند. وی این بار بدون وجود رقیب و فراغت خاطر از اثرگذاری تصمیم‌سازی‌های سیاست خارجی بر جایگاه داخلی‌اش دست به این بازبینی می‌زند.

